

علیرضا داوودنژاد: هنوز داغ رضا تازه است

علیرضا داوودنژاد در آستانه اکران عمومی فیلم سینمایی «مصائب شیرین ۲» از شرایط اکران فیلمش که بیش از شش سال قبل ساخته صحبت کرد و گفت: هنوز این زخم تازه و گفتن از آن برایم دشوار است. شاید تصورش آسان نباشد، ولی حال و روز من بیشتر به فرزندمی ماند که پدری رفیق و صمیمی و مراقب و دلسوز را از دست داده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، «مصائب شیرین ۲» با بازی زنده‌یاد رضا داوودنژاد، ترلان پروانه، مونا داوودنژاد، زهرا داوودنژاد، علی داوودنژاد، همایون کاظمی، سارا لوتییز کاظمی و نیز محمدرضا داوودنژاد سال ۱۳۹۷ به کارگردانی علیرضا داوودنژاد ساخته شد و اگرچه متقاضی شرکت در جشنواره فیلم فجر بود، یک سال بعد در جشنواره جهانی فجر رونمایی شد.

این فیلم در همان سال ۱۳۹۸ در تدارک اکران عمومی بود که محقق نشد و بعد از آن هم با شیوع کرونا نتوانست اکران شود و حالا قرار است از فردا ۳ مرداد ماه اکران عمومی شود.

«مصائب شیرین ۲» در ادامه قسمت اول این فیلم، داستان دختری را روایت می‌کند که برای تولد ۱۸ سالگی خود، پدر و مادرش را به جایی ناآشنا دعوت می‌کند. پدر و مادر برای رسیدن به آنجا سفری را از منچستر به لندن آغاز می‌کنند. در این سفر آن‌ها زندگی گذشته خود را مرور می‌کنند.

علیرضا داوودنژاد که ساخت فیلم‌های ماندگاری، چون «مصائب شیرین»، «نیاز»، «کلاس هنرپیشگی» و... را در کارنامه هنری‌اش دارد، خودش پس از درگذشت رضا (پسرش) که بازیگر شاخص فیلم‌هایش بود، حال و حوصله همیشگی‌اش را ندارد، اما به اصرار ما قبول کرد که درباره شرایط اکران فیلمش صحبت کند و در فرصتی دیگر درباره محتوا و موضوع فیلم «مصائب شیرین ۲» صحبت کنیم. چرا «مصائب شیرین ۲» در حدود شش سال یا هفت سال بعد ساخت، اکران می‌شود؟ البته ما دوره تعطیلی سینماها برای کرونا را داشتیم، اما باز می‌توانست زودتر به نمایش عمومی دربیاید.

فکر می‌کنم فقدان رضا (داوودنژاد) موثر بوده؛ دوستی قدیمی و پُرخطر سرتپیی هم با رضا حتما اثر داشته؛ تاکیدات فارابی هم که ضمناً از شرکای فیلم است نباید بی‌تاثیر بوده باشد. به هر حال تراکم فیلم‌های اکران نشده در اثر کرونا و تعطیلی سالن‌های سینما، کل شرایط اکران فیلم را تحت تاثیر قرارداده بود و در سال‌های پساکرونا هم با وجود بازشدن سالن‌های سینما دستیابی به اکران را برای تراکم صف فیلم‌های پشت اکران مانده خیلی سخت و کم‌اکن پیچیده کرده است.

شما در این چند سال نگران بودید که «مصائب شیرین ۲» به سرنوشت اکران «فراری» که در موقعیت مناسبی اتفاق نیفتاد، دچار شود؛ الان شرایط مناسبی برای اکران «مصائب شیرین» فراهم شده است؟

کلاً شرایط سینما در وضع مناسبی نیست و به نظر می‌رسد، دشمنان سینمای ایران که من سال‌هاست، درباره آن‌ها از جمله با خود شما بسیار صحبت کرده‌ام و حتی چند مقاله تحت عنوان «دشمن شناسی سینمای ایران» برای‌تان نوشته‌ام، توانسته‌اند به عمده اهدافی که داشته‌اند دست پیدا کنند؛ شما هیچ وقت، ندیده بودید که بیشتر از هشتاد درصد فیلم‌های اکران شده در سینمای ایران ورشکست بشوند و حتی بسیاری نتوانند مخارج تبلیغ و توزیع خود را تامین کنند؛ عوامل و دلایل عمده این وضعیت هم معلوم است و من بارها درباره آن‌ها گفته‌ام و گفته‌اند و باز به اختصار به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

یکم - مسئولانی که با ممیزی اجازه نمی‌دهند بین زندگی ایرانی آنچنان که هست با سینمای ایران آنچنان که می‌تواند باشد و مسایل جاری و مبتلا به جامعه را منعکس کند رابطه برقرار شود؛ ضمن اینکه این تضعیف ارتباط از ورود گرمای انسانی زندگی ایرانی به فیلم‌های ایرانی و شکل‌گیری، قوام سینمای ایران و رسیدن آن به زبان و بیان بومی و ملی نیز جلوگیری می‌کند؛ چه خسارتی بالاتر از اینکه سینمای ایران موفق شده بود بدون بهره‌برداری از کلیشه‌های رایج در سینمای تجاری و هنری دنیا - مثل برهنگی و درنده‌خویی - رسماً وارد بزرگ‌ترین جشنواره‌های دنیا بشود و بالاترین جایزه‌ها را بگیرد و راه سینمای ایران را به بازارهای جهانی باز کند.

ولی امروز می‌بینیم که آن سینما و آن سینماگری به کما روانه شده و گویا این سینمای زیرزمینی است که دست و پا شکسته می‌کوشد، جای خالی آن را پُر کند؛ واقعا حیرت‌آور است که برخی تصمیم‌گیرها می‌بینند و به روی خود نمی‌آورند که جهان دیگری ساخته شده و ابزار تولید، توزیع و نمایش فیلم از انحصار قدرت‌های مالی و سیاسی خارج شده و با مدیریت‌های امنیتی و سازمانی نمی‌توان به منظومه هنری رسانه‌ای باور پذیر و اثر گذار و فراگیر دست پیدا کرد؛ و البته بعید هم نیست که دانسته دست به دامن این روش‌ها می‌شوند تا اولاً نظارت پذیر نشوند و حتی الامکان فسادها را مخفی نگه دارند و هم اینکه با تضعیف جریان تولید مرغوب و رقابت پذیر داخلی، راه واردات و غلبه رسمی منظومه‌های هنری رسانه‌ای رقابتی منطقه‌ای و حریفان جهانی را هموار کنند که در واقع می‌بینیم این اتفاق افتاده است و امروزه این حریفان و رقبای هستند که بازارهای دیداری شنیداری را قبضه کرده‌اند و فیلم‌های ترکی، اروپایی، آمریکایی، کره‌ای، هندی از در و دیوار مملکت و خانه‌های بسیاری از مردم بالا می‌روند و چشم‌ها، گوش‌ها، قلب‌ها را به تسخیر درآورده و خیلی از فیلمسازان و تهیه‌کنندگان داخلی را بیکار و خانه نشین کرده‌اند.

دوم- یادتان هست دورانی بود که با کمک شهرداری‌ها فیلم‌های ایرانی همه می‌توانستند تبلیغات محیطی داشته باشند و با استند، بلبورد و تصاویر روی پل‌ها، ورود خود را به بازار سینما اطلاع رسانی و تبلیغ کنند، اما امروز با سخت‌گیری و فوق سنگین کردن هزینه‌ها این امکان از سینما گرفته شده و ضربه‌ای کاری به روش‌های جذب مخاطب سینما وارد آمده و راه را برای غلبه امواج ماهواره‌ای باز و بازتر کرده است.

سوم- تبعیض، طرد، انکار و اینگونه نحوه برخورد‌های سابقه دار رسانه ملی با جریان تولید فیلم در سینمای ایران است؛ امروزه دیگر چه کسی نمی‌داند که دوران متن مکتوب و مسکوت یعنی متن گوتنبرگی سپری شده و متن دیجیتالی یعنی متن مصور و مصوت جای آن را گرفته و می‌گیرد؟ امروزه چه کسی نمی‌داند که دنیا به عرصه جنگ رسانه‌های دیداری، شنیداری تبدیل شده و منظومه‌های هنری رسانه‌ای به یکی از مولفه‌های اصلی قدرت‌های اثر گذار دنیا تبدیل شده‌اند؟ امروزه چه کسی نمی‌داند که «باورپذیری» راز «اثر گذاری» و «فراگیری» منظومه‌های هنری رسانه‌ای هستند؟ امروزه چه کسی نمی‌داند که راز و رمز باورپذیری آثار صوتی تصویری در اختیار «دانایی سینمایی» است. دانایی سینمایی یعنی هنر دکوپاژ، قاب بندی، نور پردازی، طراحی صحنه و لباس، چهره پردازی، میزانشن، شخصیت پردازی، بازی گردانی، فیلمبرداری، تدوین، موسیقی و ایجاد ساختاری که بتواند جهان روایی اثر را در یک بسته بندی صوتی تصویری کم و بیش صد دقیقه‌ای ارایه دهد. آنچه بطور مشخص دانایی سینمایی را از انواع دیگری از تخصص در پردازش تصویر و صدا جدا می‌کند، حساسیت این نوع از دانایی به موضوع «زمان» است. حساسیت و شناخت نسبت به مقوله «زمان» است که سینماگر را همچون موسیقی‌دان به مساله «ریتم» و «تمپو» و یا «ضرباهنگ» و «سرعت» حساس و دقیق می‌کند و تاثیر و تنظیم آن‌ها را در همه وجوه ساختاری فیلم از دیالوگ نویسی تا حالات، گفتار، لحن و نحوه حضور بازیگران و همچنین در حرکات دوربین و تقطیع و تدوین و... پی می‌گیرد.

به عنوان مثال در مورد سریال موفق این روزها «در انتهای شب» گاهی می‌شنوم که چه زود تمام شد و یا چرا به صورت مینی سریال بود و یا اینکه همه چیز در آن باندازه بود و یا اینکه باصطلاح در آن اب نیسته بودند. همه این نکات به یک موضوع بر می‌گردد و آن ملکه شدن اصول حرفه‌ای «دانایی سینمایی» ست که کارگردان را در همه بخش‌های کار همچنان مقید و متوجه به مراقبت از «ضرباهنگ» و «سرعت» در همه وجوه فیلم و جهان روایی اثر و باور پذیری آن نگه می‌دارد و وحاصل آن سریالی می‌شود که همچون فیلم‌های جذاب سینمایی مخاطب را پای اثر می‌نشانند و کم‌تر می‌توان در آن صحنه‌ای یا پلانی را یافت که اضافه و یا قابل حذف به نظر برسد. همه این‌ها را گفتم و سال‌هاست که می‌گویم و تکرار می‌کنم به امید اینکه شاید اثری داشته باشد و مدیران رسانه ملی باورشان بیاید که بدون داشتن یک سینمای موفق و محترم ایرانی دستیابی به یک رسانه دیداری شنیداری غیر تصنعی، فراگیر و اثر گذار امکان پذیر نیست و جبهه‌گیری در مقابل سینمای ایران و محروم کردن جریان تولید فیلم‌های ایرانی از معرفی گسترده و تبلیغات اثر گذار چیزی جز بر سر شاخ نشستن و بن بریدن نیست؛ بنابراین در پاسخ شما درباره شرایط اکران «مصائب شیرین ۲» نیز ناگفته پیداست که مثل بسیاری دیگر از فیلم‌های سینمای ایران با محرومیت از تبلیغات محیطی، فقدان معرفی و تبلیغ موثر تلویزیونی و اتکا صرف به انعکاس در فضای مجازی به اکران می‌رود و خواه نا خواه نمی‌توان این وضعیت را شرایط خیلی مناسبی برای اکران تلقی کرد، علی‌الخصوص که معلوم نیست امکان تبلیغات رایج این روزها در شبکه‌های ماهواره‌ای به دلیل هزینه‌های گزاف نصیب فیلم ما هم بشود!

قطعا پاسخ به این سوال برای شما سخت خواهد بود، در نبود رضا پسران این فیلم اکران می‌شود، چون رضا با فیلم‌های شما خاطرات خوبی برای مخاطبان رقم زد، به نظرتون می‌توان این فیلم را آخرین نقش آفرینی رضا در سینما دانست؟

درباره رضا اجازه بدهید در مهلت دیگری صحبت کنیم؛ هنوز این زخم تازه و گفتم از آن برایم دشوار است. شاید تصورش آسان نباشد، ولی حال و روز من بیشتر به فرزندی می‌ماند که پدری رفیق و صمیمی و مراقب و دلسوز را از دست داده است؛ بماند برای بعد...